مدت معین کتاب «عده» گذشت از او خواستگاری کن.

از زبیر بن عوام رضی الله عنه روایت است که: ام کلثوم بنت عقبه در نکاح وی بود؛ وی درحالی که حامله بود به زبیر گفت: با دادن یک طلاق مرا خوشحال کن؛ پس زبیر او را یک طلاق داد؛ سپس از منزل خارج شده و به نماز رفت. و درحالی بازگشت که همسرش وضع حمل کرده بود؛ پس گفت: «ما لها؟ خَدَعتني، خَدَعها اللهُ»: او را چه شده؟ مرا فریب داد، الله او را فریب دهد؛ سپس نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده (و ماجرا را بازگو کرد) و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «سَبَقَ الكتابُ أَجَلَه، اخطِبها إلى نفسِها»: «مدت معین کتاب «عده» گذشته است، از او خواستگاری کن».

[صحیح است] [به روایت ابن ماجه]

زبیر بن عوام با ام کلثوم بنت عقبه ازدواج کرده بود؛ ام کلثوم درحالی که حامله است به شوهرش می گوید: «مرا با دادن یک طلاق خوشحال کن»؛ ظلاهرا ام کلثوم زبیر را دوست نداشته و قصد داشته از عقد نکاح او بیرون شود، آن هم بگونه ای که زبیر دوباره نتواند رجوع کند. بنابراین از زبیر می خواهد که او را یک طلاق بدهد، زیرا احساس می کرد تولد بچه نزدیک است و می دانست که عده ی زن حامله، وضع حملش می باشد؛ و زبیر او را یک طلاق داد. سپس برای نماز بیرون شد و درحالی بازگشت که ام کلثوم وضع حمل کرده بود. زبیر گفت: «ما لها؟ خَدَعتني، خَدَعها اللهُ»: «او را چه شده؟ مرا فریب داد، الله او را فریب دهد»؛ "خداع" از جمله صفات فعلی و خبری الله متعال است، اما این صفت بطور مطلق برای الله متعال استعمال نمی شود، بلکه بر سبیل مقابله برای الله بکار می رود و گفته می شود: «یخدع الله من یخدعه»: «الله متعال کسی را که در پی فریب دادن اوست، فریب می دهد». مانند خداع الله متعال با منافقان و کسانی که در پی مکر و فریب و دسیسه چینی برای مؤمنان هستند. و تاویل آن به این صورت که: "الله او را به سبب فریبش مجازات کند" صحیح نیست. بلکه باید این صفت را مانند سایر صفات الله متعال بدون هرگونه تحریف، تعطیل، تشبیه و تعیین کیفیتی ثابت دانست. سپس زبیر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می رود و ایشان را در جریان آنچه بین او و همسرش رخ داده قرار می دهد. و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «سَبَقَ الكتابُ أَجَلَه»؛ یعنی: عده ای که برای طلاق تعیین شده، پیش از آنکه انتظارش را داشته باشد، تمام شده و طلاق واقع شده است؛ سپس می فرماید: «اخطِبها إلى نفسِها» یعنی مانند سایر خواستگاران از او خواستگاری کن، چون عده اش تمام شده و در این صورت حقی بر او نداری.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8286